

خلاصه ای از زندگی حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

<?xml encoding="UTF-8">



مقدمه

نام: فاطمه (سلام الله علیها)
نام پدر: محمد رسول الله (ص)
نام مادر: خدیجه کبری (سلام الله علیها)
شهرت: زهرا، صدیقه، زهره، بتول
کنیه: ام الحسین، ام ابیها، ام الائمه
محل تولد: مکه مکرمه
زمان تولد: جمعه بیست جمادی الثانی، پنج بعثت
تاریخ ازدواج: دوم هجرت
نام همسر: علی مرتضی (علیه السلام)
نام فرزندان: حسن، حسین، زینب، محسن، ام کلثوم
زمان ومحل شهادت: سیزده جمادی الاول یا سوم جمادی الثانی، یازدهم هجری درهجده سالگی درشهر مدینه النبی
مزار آن حضرت : به قولی درکنار قبر پیامبر (ص) یا قبرستان بقیع یا بین منبر وقبرپیامبر (ص) در مسجد النبی
دوران حیات: ۱ - زندگی درکنار پیامبر (ص) وشوهرش علی (علیه السلام)، 2 - چند ماه بعد ازفوت پیامبر(ص)

دوران کودکی

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) روز بیست جمادی الاخر سال پنجم بعثت از بطن مادرش خدیجه درمکه مکرمه بدنیا آمد، حدیثی از پیامبر درباره دخترش حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نقل شده است که فرموده «خلق الله نور فاطمیه ان یخلق الارض والسماء» خداوند نور فاطمه را قبل از اینکه زمین و آسمان را بیافریند آفریده است، حدیثی از پیامبر نقل شده است که فرمود چرا رفتار محبت آمیزی که با فاطمه (سلام الله علیها) داری با دیگر فرزندان نداری؟ پیامبر فرمود: قبل از اینکه نطفه فاطمه ایجاد شود جبرئیل برای من سیبی از بهشت آورد من آن سیب را خوردم و سپس با خدیجه همبستر شدم و بعد از آن فاطمه (سلام الله علیها) بدنیا آمد. به همین جهت است که هرگاه او را می بوسم و می بویم از وی بوی بهشت را استشمام می کنم درجایی دیگر از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: قبل از اینکه آدم از بهشت هبوط کند، نور فاطمه (سلام الله علیها) به سیبی تابیدن گرفت و آدم آن را خورد و آن نور بعدها در فرزندش هابیل تجلی نمود سپس ادامه داد برای امت من بگویند که نور فاطمه قبل از آفرینش زمین و آسمان آفریده شده است. در موقع وضع حمل خدیجه گویند فرشتگان از آسمان به زیر آمدند تا در تولد فاطمه (سلام الله علیها) او را یاری دهند. فرشتگان او را به دنیا آوردند و در ملحفه سفیدی پیچیدند و به مادرش سپرده و به آسمان بازگشتند. گویند اولین زنانی که پای به بهشت می گذارند، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و حضرت مریم (علیه السلام) می باشند. آنها پاک ترین زنان عالم و سرور همه ایشان هستند.

اسماء و القاب آن حضرت

اسماء مبارک آن حضرت بی شمار است که برخی از آنها از این قرار می باشد :

مرضیه، زهرا، صدیقه، طاهره، راضیه، زکیه، مبارکه، محدثه، و . . .

لقب آن حضرت، سیده نساء العالمین بود. که وی را بتول نیز نامیده اند. یکی از مشهورترین کینه های آن حضرت ام ابیها می باشد که پیامبر مکرر آن را به وی می فرمود و او را با این لقب می خواند.

این کینه از آن جهت حائز اهمیت می باشد که معنی لغوی آن این است: مادر پدرش و این از عجایب تاریخ می باشد؛ چگونه می تواند دختری مادر پدرش باشد. البته ام یعنی مادر در نظر اعراب کلمه ای مقدس و پاک می باشد.

از این رو درمی یابیم که پیامبر عظیم الشان اسلام والاترین ارزشها را برای دخترش فاطمه (سلام الله علیها) قائل بوده به همین جهت او را مادر خویش نه بلکه مادر همه مسلمانها نامیده، افتخاری که دیگر هیچ کس به آن نائل نشده است. خصوصا در آن ایامی که عربها برای فرزند دختر خویش اهمیتی قائل نبوده و او را باعث ننگ و خفت دانسته و بعضا آنها را زنده به گور می نمودند.

مقام حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در قرآن و حدیث

در قرآن و سوره های مختلف آن ازدیدگاه برخی از مفسران شیعه، سوره های گوناگونی در شأن و منزلت این بانوی محدثه نازل شده واحادیث فراوانی از پیامبر نقل شده است که برخی از آنها به شرح زیر می باشد:

آیه مباهله، آیات الابرار، آیه موعدت اخی لقربی، آیه تطهیر، از مستحکماتی هستند که مفسران آن را درباره این بانوی بزرگوار تفسیر می نمایند.

از عایشه همسر پیامبر (ص) نقل شده است هیچ کس را جز فاطمه (سلام الله علیها) ندیده ام که اخلاق و خصوصیاتش درست مانند پیامبر (ص) باشد او و پدر گرامیش چون دو نیمه یک سیب بودند. بارها خود به چشم خویش دیدم که هرگاه فاطمه به مجلس پیامبر وارد می شد او از جای برمی خواست. و فاطمه رامشایعت می نمود و در صدر مجلس می نشاند. حدیثی دیگر از پیامبر نقل شده است که فرمود: ذرات وجود فاطمه (سلام الله علیها) از ایمان به خداوند آکنده است. او هر لحظه در فکر خداست و هیچگاه از یاد او غافل نمی باشد. از عایشه نقل شده است که فرمود: هرگاه پیامبر از سفر بازمی گشت نخست فاطمه را می بوسید او رانوازش می کرد و می گفت: هرگاه از سفر به خانه بازمی گردم با دیدن فاطمه خستگی راه از تنم خارج می شود و هرگاه که می خواهم به مسافرت بروم با دیدار او جان تازه در قلبم در گهایم جریان می یابد و با قوت قلب بیشتری از خانه خارج می شوم، فاطمه (سلام الله علیها) از زنان برگزیده و بزرگ عالم است که می توان آن ها را این گونه نگارش نمود.

حضرت مریم (سلام الله علیها)، حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، آسیه همسر فرعون و خدیجه مادر بزرگوار آن حضرت.

ازدواج آن حضرت

ازدواج حضرت فاطمه با حضرت علی بزرگترین رویداد زندگی آن دو بزرگوار بود. که در اول ذیحجه، دوم هجرت و به قولی پنجشنبه بیست و یکم محرم سال سوم هجرت به وقوع پیوست. برخی معتقدند که جبرئیل و میکائیل خطبه عقد را جاری ساختند و مهریه آن حضرت به قولی پانصد درهم یعنی چهارصد مثقال نقره بود حدیثی درباره خواستگاری آن حضرت مشهور است که یک روز ابوبکر به منزل پیامبر (ص) آمد و فاطمه را خواستگاری نمود، رسول خدا گفت: منتظر نزول وحی در این باره هستم. بعد از او عمر به خواستگاری او رفت. پیامبر (ص) همان جواب را به وی داد. تا اینکه حضرت علی (علیه السلام) به خواستگاری فاطمه رفت. او در حالی که عرق شرم بر پیشانی اش نشسته بود در گوشه ای نشست. پیامبر که او را پریشان احوال و نگران دید فرمود: ای علی چه می خواهی حرف دلت را بزن شاید آمده ای فاطمه را از من خواستگاری نمایی. حضرت علی (علیه السلام) با خجالت و شرمساری گفت: آری در این هنگام جبرئیل بر رسول الله نازل شد و فرمود: خداوند باین ازدواج فرخنده موافق است. به همین جهت دخترت را به عقد مرتضی درآور تا خداوند از تو راضی باشد.

پیامبر به دخترش فرمود: مبارک باشد بر شما این پیوند فرخنده و نورانی. سپس ادامه داد ای فاطمه (سلام الله علیها) علی (علیه السلام) را که پسر عموی من است به خوبی می شناسی او تربیت شده من است. در خانه ما

رشد ونمو یافته به همین علت به تو اطمینان می دهم که او برای تو بهترین شوهر است. اگر می خواهی او را انتخاب کن.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کلام روحانی پدرش را پذیرفت وبا ازدواج با علی (علیه السلام) موافقت فرمود. مراسم خواستگاری و ازدواج آن دو در نهایت سادگی و بی پیرایگی انجام گرفت. درحقیقت این ازدواج آسان که می توان آن را بهترین نمونه ازدواجهای اسلامی دانست می بایست سرمشق مسلمانان در روزگما باشد که متاسفانه به علت مخارج گزاف و مهریه های سنگین بسیاری از جوانان قادر به انجام آن نمی باشند. روایت شده است که اگر جوانی به سن بلوغ برسد و ازدواج نکند دینش کامل نمی گردد. ازاین رو جوانان ماباید ازدواج علی و فاطمه را الگو قرارداده و از خرج هزینه های گزاف بپرهیزند و خانواده ها با آسان گیری زمینه را برای رسیدن به زوجها به یکدیگر فراهم آورند. همان طوریکه گفته شد پیامبر(ص) جواب قطعی به علی (علیه السلام) نداد. بلکه آن را منوط به عقیده خود فاطمه دانست و این از نکاتی است که باید مورد توجه مادران و پدران باشد که بدون توجه به خواست و علاقه فرزندان شان آنها را وادار به ازدواج می نمایند.

جهیزیه حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

اشیاء ذیل را جهیزیه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دانسته و در احادیث و روایات مختلف نام برده اند: تعدادی شیشه عطر، یک مشک آب، پیراهنی ارزان قیمت، یک آفتابه، یک تشت مسی، یک آسیای دستی، پرده ای ازپشم، دو کوزه سفالی، سفره ای چرمی، چادری از پارچه یمنی، یک جفت بالش، دو تشک ازپشم گوسفند و لیف خرما، روبند و یک مقنعه و چیزهای دیگری که برای زندگی ساه و بی پیرایه ضروری است.

ازدواجهای امروزی متاسفانه آن چنان با بریز و بپاشهای فراوان همراه است که خانواده عروس و داماد تا مدتها می بایست اقساط اجناسی را که با زحمت تهیه نموده اند بپردازند.

درحالیکه فاطمه (سلام الله علیها) را بر روی شتر پدرش نشانده بودند و زنان پیامبر در اطراف آن هلهه و شادی می کردند و پیامبر (ص) خودبه همراه جوانان بنی هاشم در اطراف شتر حرکت می کردند. فاطمه رابه سوی خانه علی (علیه السلام) بردند.

هنگامی که فاطمه (سلام الله علیها) به خانه علی (علیه السلام) رسید پیامبر داخل شد و دست دخترش را در میان دستان او گذاشت و ازهر دوی آنها تعریف و تمجید کرد و برایشان آرزوی زندگی خوب و خوشی را نمود و تداوم آن را از خداوند بزرگ مسئلت نمود و آنها را دعای خیر کرد.

فاطمه در منزل حضرت علی (علیه السلام) فاطمه بعد ازدومین سال هجرت زندگی مشترک خویش را باعلی (علیه السلام) آغاز نمود که مدت آن را برخی از مورخان قریب به 9 سال ذکر کرده اند.

این زن و شوهر شادی ها و سختی های زندگی را با هم تحمل کردند و بدون آن که د رخلال این 9 سال کوچکترین اختلافی باهم داشته باشند به زندگی مشترک خویش ادامه دادند.

ازیک طرف علی (علیه السلام) افتخار می نمود که دختر پیامبر(ص) همسر اوست و ازطرف دیگر فاطمه (سلام الله علیها) از داشتن چنین شوهر نمونه ای به خود مباهات می کرد.

از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است : فاطمه که عزیزترین و محبوبترین کسان پیامبر (ص) بود گاهی آنقدر با مشک آب می آورد که سینه اش مجروح می شد و آنقدر با دستان خود آسیاب می کرد که دستانش پینه بسته و خشن شده بود و آنقدر خانه را جارو می زد که لباسهایش خاک آلود بود آنقدر زیر دیگ را روشن می کرد که جامه هایش سیاه و دود آلود شده و در بعضی از روزها بسیار لاغر و ضعیف می نمود.

تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

یک روز فاطمه (سلام الله علیها) از پیامبر خواست تا کنیزی به او ببخشد تا در کارها به وی کمک نماید تا قدری از بار خستگی اش کاسته شود.

پیامبر گفت : بعد از آنکه از نماز فارغ شدی پیش از آنکه به چپ و راست خود بنگری 34 مرتبه الله اکبر، 33 مرتبه سبحان الله، والحمد لله بگو، آنگاه خواهی دید که خداوند چه نیروی زیادی به تو می دهد که در کارهایت به کنیز نیاز نداشته باشی. فاطمه مسرور شد و از پدر بزرگوارش تشکر نمود.

از همان هنگام تسبیحات حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به عنوان یک فعل مستحبی بعد از هر نماز توسط شیعیان آن حضرت قرائت می شود، بعدها پیامبر (ص) کنیزی به نام «فضه» را برای او فرستاد تا در کارهای خانه او رایاری رساند.

رحلت پیامبر (ص) و اندوه فاطمه (سلام الله علیها) پیامبر در روز دوشنبه 28 صفر یا اوایل ربیع الاول سال یازدهم هجری در مدینه در فانی راوداع گفت آخرین کلام او به امت خویش چنین بود :

(اليوم اکملت لکم دینکم ولی الدین) امروز برای شما دینتان را کامل کردم و اسلام را برای شما باقی گذاشتم. بعد از آنکه پیامبر (ص) در بستر بیماری افتاد، هیچکس بیش از فاطمه (سلام الله علیها) برای او دلسوزی نکرد، او بزرگوارانه روز از پدر بزرگوارش پرستاری و مراقبت می نمود.

گویند هنگامی که پیامبر رحلت نمود، فاطمه که از بیدار خوابیهای خود از جهت پرستاری از پدر بیمار وضعیق شده بود، روز به روز لاغر و رنجورتر می شد، او چنان از مرگ پدر خود سوگوار شده بود که مردم مدینه براو دل می سوزانیدند و به علی (علیه السلام) می گفتند که همسرت را آرام کن. اما فاطمه بیش از پیش می گریست و زاری می کرد و می گفت : می خواهم آنقدر گریه کنم تا به پدر ملحق شوم من بدون او لحظه ای نمی توانم زندگی کنم.

ماجرای سقیفه

بنی ساعده بعد از فوت پیامبر (ص) همان طوری که گفته شد گروهی از مهاجرین و انصار در سقیفه بین ساعده گرد هم جمع شدند و بدون آنکه توجهی به جنازه پیامبر داشته باشند بر سر انتخاب خلیفه باهم به منازعه پرداختند. حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) و گروهی از بزرگان بنی هاشم، پیامبر (ص) را غسل داده و کفن

نموده و دفن کردند.

بعد از پایان مراسم خاکسپاری رسول خدابه حضرت علی (علیه السلام) خبر دادند که درسقیفه بنی ساعده ابوبکر را به خلافت برگزیده اند، با اینکه پیامبر (ص) درغديرخم حضرت علی (علیه السلام) را به جانشینی خود انتخاب نموده بود و خلافت حق مسلم وی بود به خاطراینکه بین مسلمانان ایجاد اختلاف و تشتت نشود و التهاب جامعه که خود ناشی از رحلت پیامبر (ص) بو دکاهش یابد و مسلمانان قدرت خویش را حفظ نمایند.

ماجرای فدک

فدک دهکده کوچکی از اراضی یهودیان طایفه بنی قریضه بود که در نزدیکی قلعه خیبر قرار داشت. وبعد از تسخیر آنجا توسط مسلمانان و اخراج یهودیان از فدک به تصرف مسلمانان درآمد. فدک بعد از اینکه به تصرف ایشان درآمد جزء اموال غیر منقول پیامبر (ص) درآمد و او آن دهکده را که نخلستان بزرگی در اطراف خود داشت به دخترش فاطمه (سلام الله علیها) بخشید. بعد از اجرای انتخاب خلیفه و خلافت ابوبکر مسلمانان به گروههای مختلف تقسیم شدن و اختلافاتی در بین ایشان روی داد که بزرگترین آنها قیام مسلمیه کذاب بود که در اواخر عمر پیامبر آغاز گردید و ابوبکر به آن خاتمه داد. بعد از این وقایع حضرت فاطمه مشاهده نمود که درآمد حاصله از فدک را برای او نمی آورند. به همین جهت کسانی را نزد خلیفه فرستاد و علت را از او پرسید.

ابو بکر پاسخ داد: مگر نشنیده ای که پیامبر بارها فرموده بود: (نحن معاشر الانبیاء لاثورث)؛ یعنی ما جماعت پیامبران را از خو میراثی باقی نمی گذاریم.

هنگامی که این خبر را به حضرت دادند او که در فراق پدر سوگوار بود، آهی از ته دل کشید و با صدای بلند زار زار گریست به طوری که زنان مهاجر و انصار به گریه افتادند و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) سپس خطبه پرشوری خطاب به ابو بکر ایراد نمود.

خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

خطبه حضرت زهرا به این شرح می باشد:

سپاس و ستایش خداوندی راست که زمین و آسمان و هر چه در آن است را آفریده و سپس محمد (ص) را به پیامبری خویش برگزیده است که نور نبوتش جهان ظلمانی را روشن ساخت و با فروغ ملکوتی او بر بالهای فرشتگان الهی به آسمانها رفت و معراج نمود.

شما ای انصار و ای مهاجرین که با پیامبر خود دست یاری و مساعدت داده اید و متعهد شدید که او را کمک نمائید و دینش را گسترش بخشید، پس اکنون شما را چه شده است که برای پیامبر (ص) خود حدیث جعلی می

سازید و فرزند او را از ارث محروم می کنید.

شما در زمان حیات پیامبر (ص) با او بودید چرا اکنون به دوران جاهلیت بازگشتید، چه کسی این روایت نادرست را از پیامبر نقل نموده که فاطمه (سلام الله علیها) ارث پدر محروم گشته است. آن کیست که قرآن و آیات قرآن را به سود خویش تفسیر نموده و بر روی نص صریح قرآن خط بطلان کشیده است و کلام الهی را دگرگون نموده است. پس اگر قرآن را نخوانده اید سوره نمل (مورچه) را بخوانید که خداوند در قرآن فرموده: **(و ورث سلیمان و داود)** و سپس درسوره نساء به صورت روشن و آشکار مسایل ارث را بیان داشته است. شما چگونه به خود جرأت می دهید که یک حکم الهی را بر روایتی مجهول از یک شخص نامعلوم ترجیح داده و جگر گوشه پیامبر را از میراث حقه و مسلم وی محروم سازید.

من ناگزیرم گفتنی ها را به شما بگویم تا شاید از خواب گران بیدار شوید. این وظیفه من است که امت پدرم را از خطری که پیش روی آنهاست آگاه سازم. بیانات هیجان انگیز و قاطع حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پایه های خلافت تازه تأسیس شده ابوبکر را لرزانید بعد از آنکه ابوبکر خطبه حضرت راشنید بیمناک شد و به او پیغام فرستاد و گفت: اگر من در جایی حدیثی از پیامبر روایت نمودم و گفتم پیامبران از خود ارثی به جای نمی گذارند، آن ارث شامل اموال غیر منقول نمی شود، به همین جهت فدک را به شما بازمی گردانم.

شهادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) که طاقت دوری پدر را نداشت و درسوگ او زاری بسیار نمود، به طوری که شب و روز خویش را به ماتم و اندوه می گذرانید، از این رو روز به روز ضعیف تر و لاغرتر می شد تا جایی که اطرافیانش نسبت به سلامتی وی بیمناک شدند. تا اینکه حضرت در بستر بیماری افتاد. خصوصاً بلال که بوی پیامبر از او استشام می شد و مؤذن بیت الاحزان فاطمه (سلام الله علیها) بود بیش از پیش نگران سلامتی آن حضرت بود. هنگامی که او اذان می گفت، فاطمه (سلام الله علیها) منقلب می گردید، به طوری که بلال بر بستر او حاضر می شد و می گفت: ما بر جان تو بیمناک هستیم مبادا ناگهان جان به جان آفرین تسلیم نمایی. و خامت حال حضرت به جایی رسید که بزرگان مهاجر و انصار به عیادت او می رفتند. تا اینکه آن حضرت روز سه شنبه دوم جمادی الاخر در حالیکه به قولی 18 سال و 7 ماه از عمرش می گذشت و 71 روز از رحلت پیامبر می گذشت وفات یافت. (به قولی به شهادت رسید) بعضی مورخان عمر او را 28 سال و رحلت او را 13 جمادی الاول نوشته اند و باز به روایتی گروهی از مفسران وفات آن حضرت را دوشنبه 13 جمادی الاخر سال 11 هجری ذکر کرده اند. زنان بنی هاشم در خانه او جمع شدند و به گریه و زاری پرداختند حضرت علی (علیه السلام) او را غسل داد و کفن نمود و در مکان نامعلومی که آن حضرت وصیت نموده بود دفن نمود. مکان دفن آن حضرت بعد از گذشت چهارده قرن هنوز کشف نشده است با این وجود گروهی از مورخان عقیده دارند که مدفن او بین قبر و منبر پیامبر

وتعدادی از ایشان آن را در بقیع ویا بین قبر و منبر پیامبر ودسته ای قبر او را در منزل خودش می دانند. ، به هرحال ممکن است که این راز بر شیعیان آن حضرت تا ابد مخفی بماند.

درباره شهادت حضرت زهرا سلیم بن قیس در کتاب اسرار آل محمد می نویسد: بعد از اجرای سقیفه ؛عمر به خانه حضرت علی(علیه السلام) حمله ور شده و در آنرا آتش زد و داخل خانه شد و در این هنگام حضرت فاطمه سر آسیمه از خانه بیرون آمد عمر با شمشیر به پهلوی حضرت زد و بازوی او را با تازیانه زخمی کرد به طوریکه طفلی که در بطن آن حضرت(محسن) بود سقط شد. قنغذ غلام عمر آن حضرت وهمسرش فاطمه(سلام الله علیها) را با تازیانه مجروح کرد بطوریکه آن حضرت تا هنگام فوت جای زخم او را بر بازویش داشت. بعد از آن قنغذ فاطمه(سلام الله علیها) را به طرف چهارچوب در خانه کشانید و سپس در را فشار داد تا استخوانی از پهلویش شکست و طفلش (محسن) را سقط کرد، حضرت زهرا(سلام الله علیها) بعد از این ماجرا دائما در بستر بیماری بود تا به شهادت رسید.